

بررسی اثر چرخش اجباری حساب‌رسان بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی با ارزش‌افزوده بازار، ارزش‌افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها

محمدعلی آقایی *

ثریا ویسی حصار **

علی فاطری ***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۸

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثر چرخش اجباری حساب‌رسان بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی با ارزش‌افزوده بازار، ارزش‌افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نمونه آماری متشکل از ۱۰۶ شرکت طی دوره ۱۱ ساله از سال ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۶ و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره با داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی بر ارزش‌افزوده بازار، ارزش‌افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، چرخش اجباری حساب‌رسان بر ارزش‌افزوده بازار، ارزش‌افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد. به علاوه، چرخش اجباری حساب‌رسان بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش‌افزوده بازار شرکت‌ها اثر منفی و معنادار و بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. در نهایت، چرخش اجباری حساب‌رسان بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر معناداری ندارد.

واژه‌های کلیدی: چرخش اجباری حساب‌رسان، حق‌الزحمه حسابرسی، ارزش‌افزوده بازار، ارزش‌افزوده اقتصادی، فرصت‌های رشد.

* دانشیار حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Aghaeim@modares.ac.ir

** کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران

Email: Soraiaweysihasar@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران

Email: Ali.fateri@ut.ac.ir

۱- مقدمه

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا که محصول یک سیستم گزارشگری جامع و مناسب است از ارکان اصلی ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری در مورد مبادله اوراق بهادار منتشره از سوی آن به حساب می‌آید. حسابرسی صورت‌های مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. پژوهش‌های انجام‌شده چنین مطرح می‌کنند که «حسابرسی باکیفیت بالاتر» اعتبار اطلاعات تهیه‌شده را بهبود می‌بخشد و به استفاده‌کنندگان به خصوص سرمایه‌گذاران فرصت می‌دهد با اعتماد بیشتری وضعیت مالی و نتایج عملکرد شرکت را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

در عین حال حسابرسی مستقل نیز در طی عمر نه چندان طولانی خود با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها حفظ استقلال حسابرس است. نظریه کارگزاری، حسابرس را به‌عنوان نماینده مستقل سهامداران و سایر اشخاص ذینفع در کنترل صحت، قابلیت اتکا و مربوط بودن اطلاعاتی می‌شناسد که توسط مدیران واحد تجاری تهیه و ارائه می‌شود. از طرفی، فرضیه همسویی منافع مدیریت و حسابرس اذعان دارد به دلیل آن‌که کار حسابرسی مستلزم ارتباط نزدیک حسابرس با مدیران واحد تجاری است، حسابرسان ممکن است به دلایلی از جمله: افزایش امید کارمندان مؤسسه حسابرسی به استخدام آن‌ها توسط صاحب‌کار، ارائه خدمات غیر حسابرسی، وابستگی اقتصادی و تعیین حق‌الزحمه حسابرسی، در انجام وظیفه خود، استقلال خود را حفظ نکرده و کار خود را به‌درستی انجام ندهند و به عبارتی در راستای منافع شخصی خود و مدیران عمل نمایند (والکر^۱، ۲۰۰۳؛ مایرز، مایرز و اومر^۲، ۲۰۰۳؛ آزل، برودی و پانی^۳، ۲۰۰۵؛ سجادی، فرازمنند و قربانی، ۱۳۹۱). کاهش استقلال حسابرس، موجب تنزل کیفیت حسابرسی می‌شود (قاسمی نژاد و گرکز، ۱۳۹۳).

نگرانی ناشی از آثار روابط طولانی‌مدت حسابرس و صاحب‌کار بر استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی، موجب تدوین قوانینی برای محدود کردن این روابط شده است. یکی از این قوانین که طی چند دهه اخیر همواره مورد بحث و پژوهش قرار گرفته است، چرخش منظم مؤسسات حسابرسی است. ایده کمیسیون اروپا در خصوص چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی به این علت عنوان می‌شود که چرخش اجباری در آینده برای شرکت ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند که این موضوع منجر به تغییر استانداردهای حرفه‌ای حسابرسان شد و هدف اصلی آن افزایش کیفیت

1 Walker

2 Myers, Myers & Omer

3 Arel, Brody & Pany

حسابرسی، استقلال حسابرسی و پیشگیری از متمرکز شدن بازار حسابرسی است (کامران، پرینسیپ و ترومبتا، ۲۰۰۸؛ احمدزاده، ۱۳۹۵). چرخش این اطمینان را ایجاد می‌کند که اگر حسابرسان فعلی به صورت فرصت طلبانه خلاف منافع ذی‌نفعان عمل کنند، حسابرسان جدید جایگزین آنان خواهند داشت. همچنین، انتصاب حسابرسان جدید این پیام را به بازار خواهد داد که کیفیت اطلاعات بالاتر است (سجادی و جعفری پور، ۱۳۸۹).

در مورد رابطه چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی دو دیدگاه متضاد وجود دارد: حامیان تغییر حسابرس معتقدند، تعویض ادواری حسابرس باعث خواهد شد منافع حسابرس و صاحب‌کار در یک جهت نباشد و این تضاد منافع به افزایش کیفیت حسابرسی کمک خواهد کرد (آرل و همکاران، ۲۰۰۵). موافقان چرخش حسابرس، ایجاد نگاه تازه‌ای به صورت‌های مالی ارائه شده از سوی صاحب‌کار، افزایش استقلال حسابرس، کشف تحریف‌های موجود در صورت‌های مالی و افزایش میزان رقابت در بازار حسابرسی را به‌عنوان دلایل خود در دفاع از چرخش اجباری حسابرسان عنوان می‌کنند (بزرگ اصل و شایسته‌مند، ۱۳۹۰). در مقابل، از نظر مخالفان چرخش حسابرس، نداشتن آشنایی دقیق با مواردی مانند نوع عملیات، سیستم حسابداری و ساختار کنترل داخلی شرکت مورد رسیدگی، افزون بر این که موجب افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود، ممکن است باعث افزایش احتمال خطر عدم کشف اشتباهات و تحریف‌های اساسی توسط حسابرس و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی شود (سجادی، کاویانی، رشیدی باغی و صبرجو، ۱۳۹۶).

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که پدیده چرخش مؤسسات حسابرسی مانند تیغ دو لبه است که هم می‌تواند موجبات حفظ استقلال و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی را فراهم آورد و هم می‌تواند فلسفه وجودی حسابرسی را متزلزل کند. استفاده مفید و مؤثر از این پدیده به منظور افزایش کارایی و اثربخشی بازار سرمایه نیازمند شناسایی ابعاد وجودی آن و در نظر گرفتن تمهیدات مناسب در رابطه با تکرار این پدیده است (پورحیدری و بدری خیره مسجدی، ۱۳۹۲). در صورتی که با چرخش مؤسسه حسابرسی کیفیت حسابرسی افزایش یابد، این امر موجب می‌شود که اشتباه‌ها و تحریف‌های مهم در صورت‌های مالی در همان سال کشف شود و احتمال اینکه صورت‌های مالی به‌طور مناسب‌تری وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تحت حسابرسی را منعکس کند، افزایش می‌یابد. از آنجاکه میزان اطلاعات درباره شرکت در هر نقطه‌ای از زمان محدود است، اطلاعاتی که از سوی حسابرسی باکیفیت بالاتر به عموم عرضه شده است، میزان اطلاعات محرمانه موجود درباره شرکت را کاهش می‌دهد و به کاهش عدم تقارن

اطلاعاتی بین فعالان بازار منجر می‌شود. این امر در نهایت موجب هماهنگی بیشتر مدیران و سرمایه‌گذاران در رابطه با تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه بهبود عملکرد شرکت می‌شود (نوری فرد و شربتی، ۱۳۹۴).

با توجه به مباحث فوق، هدف اصلی این مطالعه تبیین ارتباط بین چرخش اجباری حساب‌سازان، حق‌الزحمه حسابرسی و معیارهای مختلف ارزیابی عملکرد مدیریت است تا به‌گونه‌ای تجربی چگونگی این ارتباط در بازار سرمایه ایران برای سرمایه‌گذاران، گروه مدیریت و دیگر تصمیم‌گیرندگان بازار سرمایه تشریح گردد. نتایج این مطالعه علاوه بر ارائه شواهد تجربی در خصوص موضوع پژوهش، می‌تواند بازخوردهای مهمی برای سازمان بورس و اوراق بهادار تهران نسبت به پیامدهای اقتصادی تحمیل شده به حساب‌سازان و صاحب‌کاران به‌موجب وضع این الزامات فراهم آورد. این نتایج هم به‌منزله شواهد تجربی در تکمیل ادبیات حسابرسی و الزامات حاکم بر آن است و هم می‌تواند راهگشای بازنگری‌های آتی در الزامات یاد شده باشد. در ادامه مقاله، با ارائه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش تدوین شده و توضیح مبسوطی از نحوه اندازه‌گیری متغیرها داده خواهد شد. سپس الگوهای پژوهش توضیح داده شده و نتایج و یافته‌های حاصل از اجرای الگوها بیان می‌گردد. در خاتمه نیز به ارائه پیشنهادهای پژوهش پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده توسط فوستر^۱ (۱۹۸۶)، استوارت^۲ (۱۹۹۱)، باسیدور، باکوئیست، میلبورن و تاکور^۳ (۱۹۹۷) و بام، سرور و استریکل^۴ (۲۰۰۴)، می‌توان معیارهای ارزیابی عملکرد را با توجه به اطلاعات مورد استفاده جهت محاسبه این معیارها، به چهار رویکرد حسابداری، مدیریت مالی، اقتصادی و تلفیقی طبقه‌بندی کرد (حیدری، دیدار و قادری، ۱۳۹۴). در این پژوهش از دو معیار رویکرد اقتصادی و دو معیار رویکرد تلفیقی برای ارزیابی عملکرد شرکت استفاده شده است. عملکرد شرکت در رویکرد اقتصادی با تأکید بر قدرت سودآوری دارایی‌های شرکت و با عنایت به نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه به‌کار گرفته شده، ارزیابی می‌شود. در رویکرد تلفیقی ارزیابی عملکرد سعی می‌شود افزون بر استفاده از اطلاعات مندرج در

1 Foster

2 Stewart

3 Bacidore, Boquist, Milbourn & Thakor

4 Baum, Sarver & Strickl

صورت‌های مالی، از اطلاعات و ارزش بازار نیز استفاده شود تا ارزیابی‌های انجام شده مربوط‌تر باشند. در این پژوهش از معیارهای ارزش‌افزوده اقتصادی و ارزش‌افزوده بازار در رویکرد اقتصادی و از معیارهای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین در رویکرد تلفیقی برای ارزیابی عملکرد شرکت استفاده شده است.

ارزش‌افزوده اقتصادی بیانگر توانایی شرکت در کسب بازدهی بیشتر از هزینه سرمایه آن است. ارزش‌افزوده بازار نیز تفاوت بین ارزش بازار و ارزش سرمایه به‌کار گرفته شده در شرکت است. با استفاده از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین، فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت قابل‌سنجش و ارزیابی است. مطالعات نشان داده است کیفیت حسابرسی مستقل یکی از عوامل مؤثر بر ارتباط بین اطلاعات شرکت با ارزیابی عملکرد آن است. این نتایج بر این اصل استوار است که اطلاعات عمومی باکیفیت بالا می‌تواند منجر به هزینه پایین‌تری از اطلاعات خصوصی (اطلاعات موجود نزد ذی‌نفعان درون‌سازمانی) گردد. به‌عبارت‌دیگر، کیفیت حسابرسی مستقل منجر به افزایش کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده و به‌تبع آن، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد (چان، گول و ژوو^۱، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، اطلاعات عمومی با کیفیت، موجب اطمینان‌بخشی به اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران شده و ریسک اطلاعاتی آنان را کاهش و هزینه سرمایه شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (احمدپور، کاشانی‌پور و شجاعی، ۱۳۸۹) و در نتیجه معاملات موجب می‌شود که سود اقتصادی شرکت افزایش یابد. از طرفی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری موفق باعث افزایش سودآوری و افزایش ثروت سرمایه‌گذار می‌شود. فرصت‌های سرمایه‌گذاری، انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری با ارزش فعلی خالص مثبت است که منجر به افزایش ارزش برای ذی‌نفعان و در مجموع افزایش ارزش بازار شرکت می‌شود. وجود حسابرسان مستقل با کیفیت بالا در شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیاد، می‌تواند اهمیت بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها داشته باشد. به این دلیل که این شرکت‌ها از ریسک کنترل و ریسک حسابرسی بالاتری برخوردارند (تسوئی، جاگی و گول^۲، ۲۰۰۱). بنابراین، به احتمال بیشتری نسبت به شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمتر، متقاضی حسابرسی با کیفیت بالاتر هستند (حاجیها و قانع، ۱۳۹۵). به دلیل وجود محدودیت در منابع مالی و تمایل سرمایه‌گذاران به استفاده بهینه از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اهمیت حرفه حسابرسی در ارائه خدمات اطمینان‌بخشی، انتظار می‌رود افراد با مطالعه درست فرصت‌های سرمایه‌گذاری تا آنجایی که ممکن است از اشتباهات جلوگیری کرده و آگاهانه تصمیم‌گیری نمایند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت

1 Chan, Gul & Zhou

2 Tsui, Jaggi & Gul

که با افزایش کیفیت حسابرسی مستقل، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به کیفیت گزارشگری مالی اعتماد بیشتری کرده و منابع بیشتر و آسان‌تر برای انجام فرصت‌های سرمایه‌گذاری جذب شود.

حسابرسی به‌عنوان یک سازوکار حاکمیت شرکتی خارجی نقش مهمی ایفا می‌کند و تأثیر حاکمیت حسابرسی مستقیماً در کیفیت حسابرسی منعکس می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده است که حق الزحمه حسابرسی نقش بسزایی در بهبود کیفیت حسابرسی دارد (زیائو، گنگ و یوان، ۲۰۲۰). حق الزحمه خدمات حسابرسی شرط ضروری برای اطمینان نسبت به کیفیت حسابرسی است (نیکبخت، شعبان‌زاده و کنارکار، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، در بسیاری از پژوهش‌ها به‌عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی معرفی شده است (صالحی، موسوی شیرینی و سدیر نوغانی، ۱۳۹۲). میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرس از دو طریق می‌تواند بر کیفیت کار حسابرسی اثر بگذارد: هرچقدر حق الزحمه پرداختی افزایش یابد، ممکن است سعی و تلاش حسابرس نیز افزایش یابد و به تبع آن، کیفیت بالا رود. در نتیجه بازار نسبت به کیفیت بالای اطلاعات، عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد. در عوض ممکن است، حق‌الزحمه‌های بالای حسابرسان، آن‌ها را از لحاظ اقتصادی به صاحب‌کاران وابسته سازد. چنین وابستگی موجب عدم استقلال حسابرس می‌شود و این سبب می‌شود که صاحب‌کاران به اطلاعات شرکت اتکا نکنند و نتیجه چنین عملی، عکس‌العمل منفی بازار نسبت به کیفیت پایین اطلاعات است (منصوری سرنجیانه و تنانی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، ایفای نقش حسابرسان مستقل به‌عنوان حافظ منافع جامعه مستلزم این است که حسابرس در مقابل صاحب‌کار خود مستقل باقی بماند. یکی از راه‌حل‌های پیشنهاد شده برای رفع مشکلات بالقوه ناشی از همسویی میان مدیریت صاحب‌کار و حسابرس، الزامی کردن تعویض ادواری مؤسسه‌های حسابرسی است. دیوان محاسبات آمریکا تعویض ادواری مؤسسه‌های حسابرسی را اعمال محدودیت بر تعداد سال‌های متوالی که یک مؤسسه حسابرسی مستقل می‌تواند صورت‌های مالی یک شرکت خاص را حسابرسی کند، تعریف کرده است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱).

پدیده تصدی حسابرس و چرخش مؤسسات حسابرسی باعث مطرح‌شدن استدلال‌هایی از سوی مخالفان و موافقان این پدیده گردید. موافقین سیاست چرخش اجباری حسابرس به افزایش رقابت در کیفیت ارائه خدمات حسابرسی میان حسابرسان اشاره می‌کنند. چون در گردش اجباری، حسابرسان بعد از دوره‌ای معین صاحب‌کاران خود را از دست می‌دهند، برای به دست آوردن صاحب‌کاران جدید باید با سایر حسابرسان رقابت کنند؛ در نتیجه برای دریافت مقدار حق‌الزحمه

و به منظور کسب صاحب‌کاران جدید، ناگزیرند انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند (لام، ۲۰۱۱؛ عزیزخانی، داغانی و احمدیان، ۱۳۹۵). برخلاف دیدگاه موافقین چرخش حسابرس، از نظر مخالفین، تعویض حسابرس موجب بهبود کیفیت حسابرسی نمی‌شود، بلکه به دلیل عدم آشنایی عمیق حسابرس با سیستم صاحب‌کار و نیاز به صرف زمان و هزینه بیشتر برای کسب این شناخت، کاهش کیفیت حسابرسی را در پی دارد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به مباحث فوق، در صورتی که با چرخش مؤسسه حسابرسی، استقلال و در نتیجه کیفیت حسابرسی افزایش یابد، این امر باعث می‌شود که صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط شرکت‌های حسابرسی مستقل دارای کیفیت بالا، از قابلیت اتکا بیشتری برخوردار بوده و ارزش واقعی شرکت را بهتر منعکس کنند.

۲-۲- تاریخچه چرخش مؤسسات حسابرسی

موضوع چرخش اجباری حسابرس خود به دو مقوله مجزا تفکیک می‌شود. یکی تغییر در سطح تیم حسابرسی به‌خصوص در رده شرکا و مدیران و دیگری تغییر در سطح مؤسسه حسابرسی است (کیم، مین و یی^۲، ۲۰۰۴). کشورهای نظیر آمریکا و انگلیس تنها به چرخش شرکای حسابرسی اکتفا کرده‌اند، حال آن که در برخی کشورها نظیر ایتالیا، برزیل، کره، هند و سنگاپور شرکت‌ها ملزم به تغییر مؤسسات حسابرسی بعد از طی یک دوره مشخص هستند. در این بین، کشورهای نظیر اتریش، اسپانیا و کانادا نیز بعد از شکست در اجرای قانون تغییر اجباری، آن را بعد از مدتی کنار گذاشتند (دی‌چاو، اسلوان و اسوینی^۳، ۱۹۹۶؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۴؛ مهرانی، مرادی، نخعی و مطمئن، ۱۳۹۲).

چرخش مؤسسات حسابرسی برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ در کشور ایتالیا برای تعدادی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس این کشور اجرا شد. در ابتدا این قانون برای شرکت‌های خصوصی هر سه سال و برای مؤسسات دولتی هر نه سال اجرا می‌شد اما در لوایح جدید منتشره از سوی قانون‌گذاران حرفه‌ای این کشور حداکثر زمان تصدی حسابرس به دوازده سال افزایش یافته است. در اسپانیا این قانون از سال ۱۹۸۹ برای دوره‌ای بیش از ۹ ساله الزامی شد؛ اما در سال ۱۹۹۵ این قانون مورد بازنگری قرار گرفت. بدین صورت که بعد از یک‌بار چرخش، هر سال فرآیند چرخش مؤسسات حسابرسی باید انجام شود (حساس یگانه و جعفری، ۱۳۸۹). قانون چرخش مؤسسات حسابرسی از سال ۲۰۰۴ در کشور برزیل برای دوره ۵ ساله، در سال ۲۰۰۳ در

1 Lumb

2 Kim, Min & Yi

3 Dechow, Sloan & Sweeney

کشور کره جنوبی برای دوره ۶ ساله، در کشور سنگاپور برای نهادهای مالی برای دوره ۵ ساله، در هند برای بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های دولتی برای دوره‌های ۴ ساله به تصویب رسید (لائوریون، لاورنس و ریانس، ۲۰۱۷). قانون چرخش شرکای حسابرسی نیز در کشور ژاپن در سال ۲۰۰۴ برای حداکثر یک دوره ۷ ساله، در کشور آلمان در سال ۲۰۰۳ برای دوره ۵ ساله و در آمریکا هر ۵ سال یک‌بار توسط قانون‌گذاران این کشور به تصویب رسید (لنوکس و وو، ۲۰۱۸). بررسی سوابق در کشورمان در این زمینه نشان می‌دهد که فرایند تغییر حسابرسان مستقل در سال‌های گذشته به دلیل محدود بودن حسابرسی توسط چند مؤسسه بزرگ از جمله مؤسسه حسابرسی صنایع ملی و سازمان برنامه، مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان و مؤسسه حسابرسی شاهد به شکل مدون و رسمی و در غالب مفاد قانونی وجود نداشت و فقط گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای تعدادی از کارهای خاص با نظر مدیران مؤسسه تغییر می‌کرد. در سال ۱۳۶۶ سازمان حسابرسی با ادغام این مؤسسات تشکیل شد. در سازمان حسابرسی به دلیل تنوع و تعدد صاحب‌کاران و به منظور اعمال کنترل و بررسی بیشتر، گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای کار در دوره‌های زمانی با میانگین سه سال تغییر می‌یابند. این جابه‌جایی ممکن است مسئولیت انجام حسابرسی یک شرکت را از یک مدیر سلب و به مدیر دیگری در داخل آن سازمان محول کند؛ لذا فرایند تغییر صرفاً بین گروه‌های مختلف در درون سازمان حسابرسی انجام می‌شود و در زمره مقررات تغییر حسابرس، آن‌گونه که در سایر کشورها مدنظر است، قرار نمی‌گیرد؛ اما در نهایت با تصویب دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۸ مردادماه سال ۱۳۸۶ توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار، تغییر منظم حسابرس مستقل در دوره زمانی چهارساله الزامی شد و تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اشخاص تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار موظف به رعایت آن شدند (بولو، مهمام و گودرزی، ۱۳۸۹).

۲-۳- پیشینه پژوهش

اباذری و نصیرزاده (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه استفاده‌کنندگان در مورد رابطه بین چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی و محدودیت در ارائه سایر خدمات حسابرسی با کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که مقررات ذکر شده، موجب بهبود کیفیت حسابرسی و بهبود اعتماد استفاده‌کنندگان می‌گردد. همچنین، طبق نتایج، اعمال مقررات مذکور بر هزینه حق‌الزحمه حسابرسی بی‌تأثیر بوده و همچنین، بین نگرش حسابرسان و کارکنان شرکت‌های سرمایه‌گذاری نسبت به تأثیر مقررات فوق بر کیفیت حسابرسی و اعتماد استفاده‌کنندگان

1 Laurion, Lawrence & Ryans

2 Lennox & Wu

تفاوت معنی‌داری وجود دارد. سجادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که چرخش حسابرس در سطح شریک و مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی (معیار اقلام تعهدی اختیاری) رابطه معنی‌دار و معکوس دارد. به عبارتی، کیفیت خدمات حسابرسی مؤسسه‌های جدید در سال-های ابتدایی پس از چرخش به دلیل عدم آشنایی کافی با فعالیت و صنعت صاحب‌کار کاهش یابد؛ اما این رابطه در سطح مؤسسه حسابرسی نسبت به سطح شریک حسابرسی معنی‌دارتر است. در پژوهش مرادی، رستمی و ابادری (۱۳۹۵)، رابطه‌ای بین میزان چرخش حساب‌رسان و سیستم کنترلی سازمان با اعمال رفتارهای ناکارآمد حسابرسی یافت نشد. نتایج پژوهش عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که سیاست چرخش اجباری حسابرس سبب افزایش در حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نشده است. همچنین، شرکت‌هایی که به‌طور اختیاری حسابرس خود را تغییر داده‌اند، افزایش در حق‌الزحمه حسابرسی داشته‌اند. حساس یگانه، برزیده، تقوی فرد و فرهمند سیدآبادی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داده‌اند که حق‌الزحمه حسابرسی مستقل، به‌موجب گردش اجباری افزایش می‌یابد و این افزایش بیش از افزایش معمول در گردش اختیاری حساب‌رسان است و به شرکت‌ها هزینه اضافی تحمیل می‌کند. پس از وضع الزامات یادشده، تفاوت شایان توجهی در سهم از بازار مؤسسه‌های حسابرسی با کیفیت بالا و پایین مشاهده نشد. نتایج پژوهش حاجیه‌ها و قانع (۱۳۹۵) بیانگر این است که بین اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس با فرصت سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین تخصص حسابرس با فرصت سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه ایران رابطه معناداری وجود ندارد. صالحی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که حق‌الزحمه حسابرسی با شاخص‌های عملکرد (قدرت سود، نرخ بازده دارایی‌ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین) رابطه معناداری نداشته است. نتایج پژوهش منصوری سرنجیانه و تنانی (۱۳۹۲) حاکی از آن است که بازار سهام نسبت به حق-الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی به‌طور مثبت عکس‌العمل نشان می‌دهد. پورحیدری و بدری خیره مسجدی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که اگر اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان معیار کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شود، چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی تأثیری ندارد اما چرخش شریک مؤسسه حسابرسی باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. همچنین، چرخش مؤسسات حسابرسی بر تعدیلات سنواتی تأثیری ندارد و چرخش شریک مؤسسه حسابرسی باعث کاهش تعدیلات سنواتی می‌شود.

زیائو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان می‌دهند که تلاش حسابرسی (کل زمان کار یک تیم حسابرسی در یک پروژه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی) به‌طور قابل توجهی احتمال تعدیل

حسابرسی را افزایش می‌دهد که این امر مانع از مدیریت سود مثبت و باعث بهبود کیفیت صورت-های مالی حسابرسی شده می‌شود. علاوه بر این، تأثیر تلاش حسابرس بر کیفیت حسابرسی در صورت پیچیده‌تر بودن مشتری و بزرگ‌تر شدن شرکت‌های حسابرسی، کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش سینگ، سینگ، سلطانا و ایوانز^۱ (۲۰۱۹) بیانگر این است که حق‌الزحمه غیرعادی خدمات غیرحسابرسی حسابرسان ارتباط مثبت با مدیریت سود برای شرکت‌هایی با دوره تصدی کوتاه شریک حسابرس دارد. همچنین، سطح اقلام تعهدی اختیاری برای غیر ۴ حسابرس بزرگ بالاتر از ۴ حسابرس بزرگ است و این موضوع اختلاف یادگیری بین مؤسسات مذکور را نشان می‌دهد. در نهایت، ارتباط منفی و معناداری بین طول دوره تصدی شریک حسابرس و مدیریت سود وجود دارد. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که قانون‌گذاران باید به اثرات منفی مورد انتظار چرخش اجباری شریک بر کیفیت حسابرسی غیر ۴ حسابرس بزرگ، توجه بیشتری کنند. بر اساس یافته‌های آن‌ها، ممکن است لازم باشد الزامات چرخش شریک حسابرسی به صورت متفاوتی در مورد مشتریان حسابرسان اعمال شود. به عنوان مثال، ۴ حسابرس بزرگ در مقایسه با سایر مؤسسات حسابرسی. کریشنان و ژانگ^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان دادند که پس از چرخش شریک حسابرسی، افزایش قابل توجهی در محتوای اطلاعاتی سود حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، کیفیت سود پس از چرخش، کیفیت بالاتری نسبت به سود قبل از چرخش دارد. در نهایت، هزینه سهام سرمایه متعاقباً پس از چرخش شرکا کاهش می‌یابد. بوکر^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخت که آیا یک واحد تجاری حسابرسی شده که داوطلبانه سیاست چرخش شرکت را اتخاذ کرده است، می‌تواند اثرات منفی وابستگی حسابرس بر مشتری را کاهش دهد؟ نتایج نشان داد که اعتباردهندگان، مشتریان حسابرسان وابسته اقتصادی را به دلیل استقلال کم حسابرس آن‌ها و منابع مالی آن‌ها را نسبت به مشتریان بدون حسابرس وابسته، کم اعتبار می‌دانند؛ بنابراین، با احتمال کمتری به مشتریان حسابرسان وابسته اقتصادی وام اعطا می‌کنند. همچنین، بعد از چرخش اختیاری شرکت حسابرسی، از نظر اعتباردهندگان تفاوتی در قابلیت اعتماد به وجوه مالی مشتریان حسابرسان وابسته اقتصادی و غیراقتصادی مشاهده نشد. نتایج بنرجی و جنر^۴ (۲۰۱۶) حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین هزینه‌های حسابرسی با فرصت‌های رشد است. شواهد کوربلا، فلوریا، گوتی و ماسترولیا^۵ (۲۰۱۵) بیانگر این است که کیفیت

1 Singh, Singh, Sultana & Evans

2 Krishnan & Zhang

3 Booker

4 Banerjee & Humphery-Jenner

5 Corbella, Floria, Gotti & Mastrolia

حسابرسی پس از گردش اجباری از مؤسسه‌های کوچک به مؤسسه‌های بزرگ، ارتقا یافته است. همچنین، حق الزحمه حسابرسی پس از گردش اجباری از مؤسسه‌های بزرگ به کوچک کاهش می‌یابد، اما از مؤسسه‌های کوچک به بزرگ تغییری نمی‌کند. نتایج پژوهش کارسلو و رید^۱ (۲۰۱۴) نشان داد که بازار نسبت به چشم‌انداز اجباری حسابرسان واکنش منفی نشان می‌دهد. موتینهو، سرکوئیرا و براندائو^۲ (۲۰۱۲) نشان دادند که سود عملیاتی شرکت رابطه معنی‌داری با هزینه‌های حسابرسی دارد. نتایج پژوهش آلالی^۳ (۲۰۱۱) بیانگر رابطه‌ای معنادار و مثبت بین اقلام تعهدی غیراختیاری و حق الزحمه حسابرسی و رابطه منفی بین حق الزحمه حسابرسی و سودآوری می‌باشد. بیر و شریدهارا^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند که بین قیمت سهام در بازار و کیفیت گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی هرچه گزارش حسابرسی با کیفیت‌تر باشد قیمت سهام در بازار افزایش می‌یابد. فرانکل، جانسون و نلسون^۵ (۲۰۰۲) نشان دادند هرچه وابستگی میان حسابرس و صاحب‌کار بیشتر باشد، کیفیت حسابرسی کمتر است. آن‌ها یکی از معیارهای ارزیابی استقلال را نسبت حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی به کل حق الزحمه حسابرسی معرفی نمودند. هاکنبراک و هوگان^۶ (۲۰۰۲) دریافتند شرکت‌هایی که حسابرسشان را به دلایل مرتبط با خدمات حسابرسی تغییر می‌دهند، پس از تغییر، ضریب واکنش سود صعودی دارند. این در حالی است که اگر حسابرسشان را به دلایل غیر مرتبط با خدمات حسابرسی، عمدتاً حق الزحمه، تغییر دهند، ضریب واکنش سود نزولی خواهند داشت.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: حق الزحمه حسابرسی بر ارزش‌افزوده بازار شرکت‌ها تأثیر دارد.

فرضیه دوم: حق الزحمه حسابرسی بر ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها تأثیر دارد.

فرضیه سوم: حق الزحمه حسابرسی بر فرصت‌های رشد شرکت‌ها تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: چرخش اجباری حسابرسان بر ارزش‌افزوده بازار شرکت‌ها تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: چرخش اجباری حسابرسان بر ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها تأثیر دارد.

1 Carcello & Reid

2 Moutinho, Cerqueira & Brandao

3 Alali

4 Be yer & Shiridhar

5 Frankel, Johnson & Nelson

6 Hackenbrack & Hogan

فرضیه ششم: چرخش اجباری حسابرسان بر فرصت‌های رشد شرکت‌ها تأثیر دارد.
فرضیه هفتم: چرخش اجباری حسابرسان بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش‌افزوده بازار شرکت‌ها تأثیر دارد.

فرضیه هشتم: چرخش اجباری حسابرسان بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها تأثیر دارد.

فرضیه نهم: چرخش اجباری حسابرسان بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها تأثیر دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و بر مبنای هدف از نوع پژوهش کاربردی است و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. مبنای نظری و پیشینه پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و داده‌های مورد نظر آزمون فرضیه‌ها نیز از گزارش‌های مالی موجود در آرشیو بورس اوراق بهادار تهران، بانک‌های اطلاعاتی موجود در بازار همچون ره‌آورد نوین و اطلاعات موجود در سایت کدال، جمع‌آوری گردید. جامعه آماری این پژوهش از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ تشکیل شده است. نمونه آماری، با توجه به معیارهای گزینشی زیر انتخاب گردید:

- ۱) شرکت‌ها در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند.
 - ۲) نوع فعالیت شرکت‌ها، تولیدی بوده و لذا جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
 - ۳) پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه منتهی به ۲۹ اسفندماه در هر سال باشد.
 - ۴) ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه مثبت باشد.
- تعداد ۱۰۶ شرکت که حائز شرایط فوق بودند به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای جمع‌بندی و محاسبات از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. سپس تجزیه و تحلیل نهایی به‌وسیله الگوهای رگرسیونی چند متغیره و با استفاده از نرم‌افزار ایویوز انجام شده است.

۵- الگوها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول تا سوم پژوهش الگوی (۱) به شرح ذیل برآورد می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{Value}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Audit Fees}_{i,t} + \alpha_2 \text{Prob Indep Dir}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{Substantial Shareholders \% Own}_{i,t} \\ & + \alpha_4 \text{Auditor Quality}_{i,t} + \alpha_5 \text{Board Size}_{i,t} \\ & + \alpha_6 \text{Firm Size}_{i,t} + \alpha_7 \text{Free Cash Flows}_{i,t} \\ & + \alpha_8 \text{Financial Leverage}_{i,t} + \alpha_9 \text{Cash Holding}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{الگوی (۱)}$$

برای آزمون فرضیه چهارم تا نهم پژوهش الگوی (۲) به شرح ذیل برآورد می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{Value}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Audit Fees}_{i,t} + \alpha_2 \text{MAFR}_{i,t} + \alpha_3 \text{Audit Fees}_{i,t} \\ & \times \text{MAFR}_{i,t} + \alpha_4 \text{Prob Indep Dir}_{i,t} \\ & + \alpha_5 \text{Substantial Shareholders \% Own}_{i,t} \\ & + \alpha_6 \text{Auditor Quality}_{i,t} + \alpha_7 \text{Board Size}_{i,t} \\ & + \alpha_8 \text{Firm Size}_{i,t} + \alpha_9 \text{Free Cash Flows}_{i,t} \\ & + \alpha_{10} \text{Financial Leverage}_{i,t} + \alpha_{11} \text{Cash Holding}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{الگوی (۲)}$$

در الگوهای فوق؛

- متغیرهای وابسته:

Value متغیر وابسته که شامل چهار معیار به شرح ذیل می‌باشد:

(۱) ارزش افزوده بازار (MVA) که برابر با تفاوت بین ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است.

(۲) ارزش افزوده اقتصادی (EVA) که با استفاده از رابطه (۱) به شرح ذیل به دست می‌آید:

$$\text{EVA}_t = \text{NOPAT}_t - (\text{WACC}_t \times \text{Capital}_{t-1}) \quad \text{رابطه (۱)}$$

NOPAT: سود عملیاتی پس از کسر مالیات.

WACC: میانگین موزون هزینه سرمایه.

Capital: سرمایه به کار گرفته شده.

تعدیلات + مالیات - هزینه‌های عملیاتی - فروش = NOPAT

تعدیلات + خالص دارایی‌های ثابت + خالص سرمایه در گردش = Capital

در فرمول‌های فوق بابت تعدیلات از مانده‌های ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان و ذخیره

مالیات در ابتدا و پایان هر دوره مالی استفاده می‌شود و جهت محاسبه میانگین موزون هزینه

سرمایه از مدل گوردون استفاده می‌شود.

$$K_e = \frac{D_1}{P_0} + g$$

Ke: نرخ بازده مورد انتظار سهامداران.

D1: سود سهام مورد انتظار سال آتی.

P0: قیمت سهام در ابتدای سال.

g: نرخ رشد مورد انتظار که معادل میانگین معمولی رشد فروش طی ۳ سال گذشته است. جهت محاسبه هزینه بدهی از نسبت هزینه‌های مالی به تسهیلات کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت استفاده می‌شود.

(۳) فرصت‌های رشد (Q) که با استفاده از رابطه (۲) به شرح ذیل به دست می‌آید:

$$Q - \text{Tobin} = \frac{MV + TD}{TA} \quad \text{رابطه (۲)}$$

MV: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال t که برابر است با ضرب تعداد سهام منتشره شرکت در آخرین قیمت معاملاتی سهام در پایان سال t.

TD: ارزش دفتری کل بدهی‌های شرکت در پایان سال t.

TA: ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت در پایان سال t.

(۴) فرصت‌های رشد (MTB) که برابر است با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

- متغیر مستقل:

حق الزحمه حسابرسی (Audit Fees): لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی شرکت.

- متغیر تعدیلگر:

چرخش اجباری حسابرس (MAFR): متغیر مجازی است که برای گردش اجباری مؤسسه حسابرسی ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر را به خود اختصاص می‌دهد. چرخش مؤسسات حسابرسی اشاره به این دارد که حسابرس مستقل یک واحد انتفاعی در دوره زمانی حداکثر چهارساله تعویض گردد و از بین سایر مؤسسات واجد شرایط یک مؤسسه به‌عنوان حسابرس جدید انتخاب شود (حساس‌یگانه و جعفری، ۱۳۸۹؛ حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۵؛ عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۵).

- متغیرهای کنترلی:

استقلال هیئت‌مدیره (Prob Indep Dir): نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل تعداد اعضای هیئت‌مدیره.

سهامداران نهادی (Substantial Shareholders%Own): درصد مالکیت سهامداران نهادی.

کیفیت حسابرسی (Auditor Quality): اگر حسابرس شرکت؛ سازمان حسابرسی باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

اندازه هیئت‌مدیره (Board Size): کل تعداد اعضای هیئت‌مدیره شرکت.

اندازه شرکت (Firm Size): لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت.

جریان وجه نقد آزاد (Free Cash Flows): که با استفاده از رابطه (۳) به شرح ذیل به دست می‌آید:

$$FCF = \frac{OI + D - IP - DP - TP}{TA} \quad \text{رابطه (۳)}$$

FCF: جریان وجه نقد آزاد شرکت در سال t.

OI: سود عملیاتی شرکت در پایان سال t.

D: هزینه استهلاک شرکت در پایان سال t.

IP: هزینه مالی شرکت در پایان سال t.

DP: سود تقسیمی شرکت در پایان سال t.

TP: مالیات پرداختی شرکت در پایان سال t.

TA: کل دارایی‌های شرکت در پایان سال t.

اهرم مالی (Financial Leverage): نسبت کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

نگهداشت وجه نقد (Cash Holding): نسبت وجه نقد به ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت بررسی محاسبه و در جدول (۱) ارائه گردید.

میانگین فرصت رشد (MTB) با مقدار ۲/۳۲۰ نشان می‌دهد که به‌طور متوسط ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه طی یک سال ۲/۳۲ برابر بیشتر از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آن‌ها است. بر اساس معیار فرصت رشد (Q) می‌توان دریافت که به‌طور متوسط ارزش بازار دارایی شرکت‌ها طی یک سال ۱/۵۲۳ برابر بیشتر از ارزش دفتری دارایی آن‌ها است. همچنین میانگین تفاوت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری آن‌ها (MVA) به‌طور متوسط طی یک سال ۰/۷۲۴ است.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	حدداقل	حداکثر	میانه	میانگین	نماد متغیر	نام متغیر
۱/۰۸۰	-۱/۴۶۷	۷/۹۹۹	۰/۳۷۷	۰/۷۲۴	MVA	ارزش افزوده بازار
۰/۲۱۱	-۱/۹۸۵	۰/۷۳۴	۰/۰۶۶	۰/۰۵۹	EVA	ارزش افزوده اقتصادی
۰/۷۰۸	۰/۵۴۲	۶/۱۲۴	۱/۳۲۱	۱/۵۲۳	Q	فرصت‌های رشد
۱/۷۱۷	۰/۲۳۰	۱۱/۹۵۸	۱/۸۸۶	۲/۳۲۰	MTB	فرصت‌های رشد
۳/۱۸۳	۲/۹۸۱	۹/۶۰۷	۵/۸۳۳	۴/۳۲۷	Audit Fees	حق الزحمه حسابرسی
۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۶	MAFR	چرخش اجباری حسابرس
۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۶۰۰	۰/۶۷۰	Prob Indep Dir	استقلال هیئت‌مدیره
۰/۲۴۲	۰/۰۰۰	۰/۹۹۵	۰/۷۹۳	۰/۷۲۰	Substantial Shareholders% Own	سهامداران نهادی
۰/۴۳۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳	Auditor Quality	کیفیت حسابرسی
۰/۱۴۷	۴/۰۰۰	۷/۰۰۰	۵/۰۰۰	۵/۰۱۲	Board Size	اندازه هیئت‌مدیره
۱/۴۵۱	۱۰/۰۳۱	۱۹/۰۶۶	۱۳/۶۲۸	۱۳/۷۴۹	Firm Size	اندازه شرکت
۰/۱۰۰	-۰/۶۱۴	۰/۵۶۶	۰/۰۵۸	۰/۰۶۱	Free Cash Flows	جریان وجه نقد آزاد
۰/۱۶۹	۰/۰۹۰	۰/۹۳۸	۰/۶۰۱	۰/۵۸۴	Financial Leverage	اهرم مالی
۰/۰۴۳	۰/۰۰۰۵	۰/۴۶۱	۰/۰۲۸	۰/۰۴۱	Cash Holding	نگهداشت وجه نقد

در نهایت، میانگین سودآوری واقعی شرکت‌ها (EVA) به طور متوسط طی یک سال ۰/۰۵۹ است. میانگین لگاریتم حق الزحمه حسابرسی مقدار ۴/۳۲۷ می‌باشد. کمترین و بیشترین مقدار حق الزحمه حسابرسی به ترتیب مربوط به شرکت بیسکویت گرجی در سال ۱۳۸۹ و شرکت لوله و ماشین‌سازی در سال ۱۳۹۱ است. نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که به طور متوسط طی یک سال ۲۵٪ از حسابرسی شرکت‌های نمونه را سازمان حسابرسی انجام می‌دهد. همچنین، به طور متوسط طی یک سال ۱۱٪ از شرکت‌های نمونه چرخش اجباری حسابرس داشته‌اند.

۶-۲- آزمون‌های پیش فرض الگوهای رگرسیونی

قبل از تخمین الگوها، بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی، حائز اهمیت اساسی است. در مواردی که از داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود، از فروض کلاسیک رگرسیون، تنها فرض همسان بودن واریانس‌ها و وجود یا عدم وجود خودهمبستگی (هاشمی و مشعشی، ۱۳۹۷) و عدم وجود هم‌خطی بین متغیرها موضوعیت پیدا می‌کند. از این رو، ابتدا فرض همسان بودن واریانس‌ها مورد بررسی قرار گرفت که در این پژوهش از آزمون وایت استفاده شده است.

در صورتی که الگو دچار ناهمسانی واریانس باشد، برای رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده می‌شود و در غیر این صورت، روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برای تخمین الگو به کار می‌رود (سوری، ۱۳۹۳). همچنین، برای بررسی خودهمبستگی، از آزمون دوربین-واتسون و به منظور بررسی هم‌خطی بین متغیرها از معیار عامل تورم واریانس (VIF)

استفاده شده است. از طرف دیگر، به منظور انتخاب روش برآورد الگو به صورت ترکیبی یا تلفیقی از آزمون F لیمر و به منظور انتخاب رویکرد اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است. در نهایت، فرضیه‌ها از طریق نتایج حاصل از الگوهای اقتصادسنجی و رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفته است. به منظور تعیین معنی دار بودن الگوی رگرسیون از آماره F فیشر و برای بررسی معنی دار بودن ضریب متغیرهای مستقل در هر الگو، از آماره t استیودنت استفاده شده است (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

نتایج مربوط به آزمون دوربین-واتسون در قسمت نتایج آزمون هر فرضیه، نتایج آزمون هم خطی بین متغیرها در جدول (۲) و نتایج آزمون وایت، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون F فیشر در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون هم خطی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	عامل تورم واریانس (VIF)
حق الزحمه حسابرسی	Audit Fees	۱/۲۱۱
چرخش اجباری حسابرسی	MAFR	۲/۸۷۲
حق الزحمه حسابرسی*چرخش اجباری حسابرسی	Audit Fees*MAFR	۲/۹۸۵
استقلال هیئت مدیره	Prob Indep Dir	۱/۰۴۸
سهامداران نهادی	Substantial Shareholders%Own	۱/۱۱۲
کیفیت حسابرسی	Auditor Quality	۱/۲۱۴
اندازه هیئت مدیره	Board Size	۱/۰۰۵
اندازه شرکت	Firm Size	۱/۱۴۱
جریان وجه نقد آزاد	Free Cash Flows	۱/۱۲۵
اهرم مالی	Financial Leverage	۱/۲۶۳
نگهداشت وجه نقد	Cash Holding	۱/۰۵۱

مقادیر زیر ۱۰ برای این آماره نشان دهنده عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل است. با توجه به نتایج به دست آمده این مقدار برای متغیرهای پژوهش کمتر از حد مجاز است. در نتیجه، هیچ گونه هم خطی میان متغیرهای پژوهش مشاهده نشده است.

بر اساس نتایج جدول (۳)، در صورتی که سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر، کمتر از ۵٪ باشد فرضیه صفر (داده‌های تلفیقی) رد و روش داده‌های ترکیبی پذیرفته می‌شود. بر اساس آزمون هاسمن، در صورتی که سطح معناداری به دست آمده از آزمون هاسمن کمتر از ۵٪ باشد فرضیه صفر (روش اثرات تصادفی) رد و روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. طبق آزمون وایت، به دلیل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای الگوها استفاده شده است. با توجه به سطح معنی داری آماره F فیشر، معناداری کل رگرسیون‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود.

جدول (۳): نتایج آزمون فروض کلاسیک رگرسیون

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	نوع آزمون	الگو	متغیر وابسته
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۶/۰۲۰	F لیمر		MVA
روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۶۰/۳۷۱	هاسمن	۱	
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۱۶/۹۱۲	F فیشر		
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۶/۶۱۳	F وایت		
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۸/۵۲۹	F لیمر		
روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۶۲/۹۴۰	هاسمن	۲	
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۹/۵۲۶	F فیشر		
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۴/۲۶۲	F وایت		
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۱/۹۰۸	F لیمر		
روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی	۰/۰۹۲	۱۴/۹۷۲	هاسمن	۱	EVA
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۸/۶۲۶	F فیشر		
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۳/۶۷۹	F وایت		
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۳/۶۹۴	F لیمر		
روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی	۰/۱۸۶	۱۴/۹۲۶	هاسمن	۲	
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۱۵۴/۹۲۱	F فیشر		
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۳/۲۱۱	F وایت		
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۸/۴۳۲	F لیمر		
روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۵۷/۹۴۹	هاسمن	۱	
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۱۵/۹۲۹	F فیشر		Q
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۲/۶۹۹	F وایت		
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۸/۳۹۶	F لیمر		
روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۵۵/۷۹۳	هاسمن	۲	
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۱۵/۷۷۴	F فیشر		
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۳/۴۴۵	F وایت		
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۷/۴۱۵	F لیمر		
روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۸۴/۹۱۲	هاسمن	۱	
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۱۳/۷۴۹	F فیشر		
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۷/۸۱۸	F وایت		MTB
روش داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۸/۸۴۷	F لیمر		
روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۸۵/۰۵۲	هاسمن	۲	
معناداری کل رگرسیون	۰/۰۰۰	۱۳/۶۰۳	F فیشر		
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۵/۳۰۳	F وایت		

۳-۶- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته ارزش افزوده بازار (MVA)

نتیجه حاصل از تخمین الگوهای (۱) و (۲) به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگوها در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

الگو ۲			الگو ۱			نماد	نام متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب		
۰/۰۶۶	-۱/۸۴۲	-۲/۱۸۶	۰/۰۰۰	-۵/۸۶۴	-۲/۵۲۸	C	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۳/۴۴۷	۰/۰۷۴	۰/۰۰۰	۴/۴۶۳	۰/۰۳۶	Audit Fees	حق الزحمه حسابرسی
۰/۰۷۳	۱/۷۹۷	۰/۲۴۵				MAFR	چرخش اجباری حسابرس
۰/۰۴۵	-۲/۰۰۶	-۰/۰۵۱				Audit Fees*MAFR	حق الزحمه حسابرسی*چرخش اجباری حسابرس
۰/۳۵۹	-۰/۹۱۸	-۰/۱۹۱	۰/۶۳۸	-۰/۴۷۱	-۰/۰۳۳	Prob Indep Dir	استقلال هیئت-مدیره
۰/۰۰۳	-۳/۰۰۸	-۰/۶۲۱	۰/۰۰۰	-۳/۵۳۷	-۰/۳۰۷	Substantial Shareholders%Own	سهامداران نهادی
۰/۰۳۹	-۲/۰۶۸	-۰/۲۱۶	۰/۰۸۷	-۱/۷۱۵	-۰/۰۶۱	Auditor Quality	کیفیت حسابرسی
۰/۷۴۹	-۰/۳۲۰	-۰/۰۵۶	۰/۲۲۰	-۱/۲۲۸	-۰/۰۶۴	Board Size	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۰۰۰	۵/۲۹۴	۰/۲۶۱	۰/۰۰۰	۱۲/۹۸۸	۰/۲۷۱	Firm Size	اندازه شرکت
۰/۰۹۱	۱/۶۹۰	۰/۵۳۱	۰/۴۴۲	۰/۷۶۹	۰/۱۱۱	Free Cash Flows	جریان وجه نقد آزاد
۰/۲۶۳	-۱/۱۲۱	-۰/۲۹۰	۰/۴۸۰	-۰/۷۰۶	-۰/۰۷۷	Financial Leverage	اهرم مالی
۰/۱۰۸	۱/۶۰۹	۱/۱۶۹	۰/۰۵۵	۱/۹۲۰	۰/۶۲۱	Cash Holding	نگهداشت وجه نقد
	(۰/۴۸۳) -۰/۵۴۰			(۰/۶۳۱) ۰/۶۷۱			ضریب تعیین (تعديل شده)
	۱/۶۸			۱/۶۷			آماره دوربین واتسون

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می‌کند. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۶۳٪ و ۴۸٪ از تغییرات حاصله در متغیر

وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگو (۱)، ضریب متغیر حق‌الزحمه حسابرسی (AF) برابر ۰/۰۳۶ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ بنابراین، حق‌الزحمه حسابرسی بر ارزش‌افزوده بازار شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، برآورد الگو (۲) نشان می‌دهد ضریب متغیر چرخش اجباری حسابرسی (MAFR) برابر ۰/۲۴۵ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۷۳ و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ بنابراین، چرخش اجباری حسابرسی بر ارزش‌افزوده بازار شرکت‌ها اثر معناداری ندارد. در نهایت، ضریب متغیر حق‌الزحمه حسابرسی*چرخش اجباری حسابرسی (Audit Fees*MAFR) برابر ۰/۰۵۱- و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۴۵ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ بنابراین، چرخش اجباری حسابرسی بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش‌افزوده بازار شرکت‌ها اثر منفی و معناداری دارد.

۶-۴- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته ارزش‌افزوده اقتصادی (EVA)

نتیجه حاصل از تخمین الگوهای (۱) و (۲) به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگوها در جدول (۵) ارائه شده است.

با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی میان باقیمانده‌های الگوها وجود ندارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۳۶٪ و ۶۶٪ از تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگو (۱)، حق‌الزحمه حسابرسی بر ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، برآورد الگو (۲) نشان می‌دهد چرخش اجباری حسابرسی بر ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها اثر معناداری ندارد. علاوه بر این، چرخش اجباری حسابرسی بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

الگو ۲			الگو ۱			نماد	نام متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب		
۰/۰۰۰	-۵/۰۲۰	-۰/۳۹۷	۰/۳۴۵	-۰/۹۴۵	-۰/۴۱۰	C	مقدار ثابت
۰/۶۴۸	۰/۴۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۲/۷۰۶	۰/۰۱۳	Audit Fees	حق الزحمه حسابرسی
۰/۱۳۸	-۱/۴۸۴	-۰/۰۱۳				MAFR	چرخش اجباری حسابرس
۰/۰۲۲	۲/۲۹۷	۰/۰۰۲				Audit Fees*MAFR	حق الزحمه حسابرسی
۰/۳۷۶	-۰/۸۸۵	-۰/۰۱۳	۰/۰۹۰	-۱/۷۰۰	-۰/۱۲۹	Prob Indep Dir	حسابرسی* چرخش اجباری حسابرس
۰/۱۰۶	-۱/۶۲۰	-۰/۰۲۴	۰/۱۴۳	۱/۴۶۶	۰/۰۸۸	Substantial Shareholders% Own	استقلال هیئت‌مدیره
۰/۰۰۲	۳/۱۸۲	۰/۰۲۴	۰/۶۷۴	۰/۴۲۰	۰/۰۱۴	Auditor Quality	سهامداران نهادی
۰/۵۴۶	۰/۶۰۴	۰/۰۰۶	۰/۷۹۸	-۰/۲۵۶	-۰/۰۲۰	Board Size	کیفیت حسابرسی
۰/۰۰۰	۶/۳۹۸	۰/۰۲۷	۰/۰۰۸	۲/۶۴۰	۰/۰۲۸	Firm Size	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۰۰۰	۲۳/۱۸۰	۰/۶۹۲	۰/۰۰۰	۷/۱۴۳	۰/۹۲۹	Free Cash Flows	اندازه شرکت
۰/۱۲۱	۱/۵۵۳	۰/۰۳۷	۰/۰۹۱	۱/۶۹۳	۰/۱۴۹	Financial Leverage	جریان وجه نقد آزاد
۰/۲۶۲	-۱/۱۲۲	-۰/۰۶۴	۰/۸۵۷	-۰/۱۸۰	-۰/۰۵۳	Cash Holding	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۲۵/۲۷۹	۰/۶۳۴				AR(1)	نگهداشت وجه نقد
	(۰/۶۶۰)۰/۶۶۴		(۰/۳۶۱)۰/۳۶۹				AR(1)
							ضریب تعیین (تعدیل‌شده)
	۲/۰۸		۱/۷۷				آماره دوربین واتسون

۶-۵- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته فرصت‌های رشد (Q)

نتیجه حاصل از تخمین الگوهای (۱) و (۲) به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگوها در جدول (۶) ارائه شده است:

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

الگو ۲			الگو ۱			نماد	نام متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب		
۰/۴۴۰	-۰/۷۷۲	-۰/۲۷۳	۰/۴۰۸	-۰/۸۲۷	-۰/۲۸۸	C	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۵۶۵	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۴/۴۶۴	۰/۰۲۷	Audit Fees	حق الزحمه حسابرسی
۰/۵۰۹	۰/۶۶۱	۰/۰۲۶				MAFR	چرخش اجباری حسابرس
۰/۲۶۳	-۱/۱۲۰	-۰/۰۰۸				Audit Fees*MAFR	حق الزحمه حسابرسی* چرخش اجباری حسابرس
۰/۰۳۹	-۲/۰۷۲	-۰/۱۲۳	۰/۰۳۳	-۲/۱۴۱	-۰/۱۲۵	Prob Indep Dir	استقلال هیئت-مدیره
۰/۰۰۷	-۲/۷۰۷	-۰/۱۸۱	۰/۰۰۷	-۲/۷۲۱	-۰/۱۸۲	Substantial Shareholders%Own	سهامداران نهادی
۰/۰۰۰	-۴/۰۷۲	-۰/۱۱۷	۰/۰۰۰	-۴/۱۲۲	-۰/۱۱۵	Auditor Quality	کیفیت حسابرسی
۰/۰۳۹	-۲/۰۶۶	-۰/۰۸۱	۰/۰۲۳	-۲/۲۷۷	-۰/۰۸۶	Board Size	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۰۰۰	۹/۸۷۰	۰/۱۸۰	۰/۰۰۰	۱۰/۱۳۴	۰/۱۸۳	Firm Size	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۴/۷۲۳	۰/۵۵۴	۰/۰۰۰	۴/۷۱۴	۰/۵۵۳	Free Cash Flows	جریان وجه نقد آزاد
۰/۰۰۰	-۴/۱۴۸	-۰/۲۷۳	۰/۰۰۰	-۲/۹۹۳	-۰/۳۵۸	Financial Leverage	اهرم مالی
۰/۰۰۲	۳/۱۸۷	۰/۸۲۲	۰/۰۰۱	۳/۲۷۲	۰/۸۱۸	Cash Holding	نگهداشت وجه نقد
	(۰/۶۱۸)۰/۶۶۰			(۰/۶۱۶)۰/۶۵۸		C	ضریب تعیین (تعدیل شده)
	۱/۶۸			۱/۶۸			آماره دوربین واتسون

با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی میان باقیمانده‌های الگوها وجود ندارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۶۲٪ از تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگو (۱)، حق الزحمه حسابرسی بر فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، برآورد الگو (۲) نشان می‌دهد چرخش اجباری حسابرس بر فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر معناداری ندارد. علاوه بر این، چرخش اجباری حسابرس بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر معناداری ندارد.

۶-۶- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته فرصت‌های رشد (MTB)

نتیجه حاصل از تخمین الگوهای (۱) و (۲) به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگوها در جدول (۷) ارائه شده است:

جدول (۷): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

الگو ۲			الگو ۱			نماد	نام متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب		
۰/۰۰۰	-۴/۸۴۹	-۴/۹۲۸	۰/۰۰۰	-۴/۷۴۶	-۴/۹۶۱	C	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۱۰۴	۰/۰۷۳	۰/۰۰۰	۳/۶۵۰	۰/۰۶۶	Audit Fees	حق الزحمه حسابرسی
۰/۹۵۴	۰/۰۵۸	۰/۰۰۷				MAFR	چرخش اجباری حسابرس
						Audit Fees*MAFR	حق الزحمه حسابرسی*چرخش اجباری حسابرس
۰/۰۰۱	-۳/۲۹۸	-۰/۵۵۸	۰/۰۰۲	-۳/۰۷۳	-۰/۵۳۳	Prob Indep Dir	استقلال هیئت-مدیره
۰/۰۰۰	-۳/۶۴۸	-۰/۶۳۷	۰/۰۰۰	-۳/۶۸۲	-۰/۶۶۸	Substantial Shareholders% Own	سهامداران نهادی
۰/۰۰۰	-۴/۰۲۴	-۰/۳۴۶	۰/۰۰۰	-۳/۸۷۳	-۰/۳۳۰	Auditor Quality	کیفیت حسابرسی
۰/۴۴۷	-۰/۷۶۱	-۰/۱۰۲	۰/۴۲۶	-۰/۷۹۷	-۰/۱۱۲	Board Size	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۰۰۰	۱۱/۱۰۲	۰/۵۴۱	۰/۰۰۰	۱۱/۱۷۵	۰/۵۴۴	Firm Size	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۳/۹۶۰	۱/۲۱۴	۰/۰۰۰	۳/۷۳۲	۱/۱۴۸	Free Cash Flows	جریان وجه نقد آزاد
۰/۰۰۰	۵/۴۷۸	۱/۳۴۳	۰/۰۰۰	۵/۸۲۴	۱/۴۷۴	Financial Leverage	اهرم مالی
۰/۰۰۴	۲/۸۶۷	۱/۹۲۱	۰/۰۰۱	۳/۴۸۱	۲/۳۴۹	Cash Holding	نگهداشت وجه نقد
	(۰/۵۸۰)۰/۶۲۶			(۰/۵۷۸)۰/۶۲۴			ضریب تعیین (تعدیل شده)
	۱/۶۶			۱/۶۶			آماره دوربین واتسون

با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی میان باقیمانده‌های الگوها وجود ندارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۵۸٪ از تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگو (۱)، حق الزحمه حسابرسی بر

فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، برآورد الگو (۲) نشان می‌دهد چرخش اجباری حسابرِس بر فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر معناداری ندارد. علاوه بر این، چرخش اجباری حسابرِس بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرِس و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر معناداری ندارد.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حسابرِس مستقل صورت‌های مالی زمانی معتبر است که حسابرِس مستقل استقلال خود را حفظ کند (نیکبخت، خلیفه سلطانی، حسینی، مداحی و ودادهیر، ۱۳۹۷). استقلال حسابرِس نویددهنده این اطمینان است که صورت‌های مالی به‌وسیله افرادی حسابرِس شده است که همراه باصلاحیت فنی از بی‌طرفی کافی برای اجرای حسابرِس برخوردار بوده‌اند. چنین ویژگی‌هایی قابلیت اعتماد صورت‌های مالی را افزایش داده و خطر اطلاعات را کاهش می‌دهد، فرآیند شکل‌گیری سرمایه را آسان می‌کند و در نتیجه، موجب اطمینان‌بخشی به اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران شده و ریسک اطلاعاتی آنان را کاهش می‌دهد (نوروش و رضانی، ۱۳۸۹). در عین حال حسابرِس مستقل نیز در طی عمر نه‌چندان طولانی خود با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها حفظ استقلال حسابرِس است. از آنجاکه کار حسابرِس مستلزم ارتباط نزدیک حسابرِس با مدیران واحد تجاری است، حسابرسان ممکن است به دلایلی (از جمله: افزایش امید کارمندان مؤسسه حسابرِس به استخدام آن‌ها توسط صاحب‌کار، ارائه خدمات غیرحسابرِس، وابستگی اقتصادی و تعیین حق الزحمه حسابرِس) در انجام وظیفه خود، استقلالشان را حفظ نکنند. هیئت‌های نظارت بر مؤسسات حسابرِس برای کاهش همسویی میان مدیریت صاحب‌کار و حسابرِس، قانون چرخش اجباری حسابرِس را تدوین نموده‌اند. بحث گردش اجباری حسابرسان، یکی از مقرراتی است که در سال‌های اخیر، موضوع مناقشات حرفه‌ای و قانونی در سراسر دنیا شده است. ایران جزء کشورهای بی‌استی است که گردش اجباری مؤسسات حسابرِس را در راستای منافع سرمایه‌گذاران و بهبود کیفیت حسابرِس، از طریق افزایش استقلال حسابرسان اجرایی کرده است، با این حال، الزامات یادشده ممکن است در راستای دستیابی به اهداف خود پیامدهای اقتصادی را نیز هم برای حسابرسان و هم برای صاحب‌کاران به همراه داشته باشد؛ بر این اساس زمانی می‌توان آن را به‌صورت الزام معقول و در جهت منافع عموم جامعه قبول کرد که منافع اجرایی آن بر هزینه‌های این امر غلبه کند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۵).

در این پژوهش به بررسی اثر چرخش اجباری حسابرسان بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرِس با ارزش‌افزوده بازار، ارزش‌افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حق الزحمه

حسابرسی بر ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، چرخش اجباری حسابرس بر ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر معناداری ندارد. به علاوه، چرخش اجباری حسابرس بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده بازار شرکت‌ها اثر منفی و معنادار و بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. در نهایت، چرخش اجباری حسابرس بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر معناداری ندارد.

نتایج این پژوهش بیانگر این است که حق الزحمه حسابرسی به‌عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی نقش به‌سزایی در بهبود عملکرد شرکت دارد. حسابرسان صورت‌های مالی تهیه‌شده توسط مدیریت را به‌طور مستقل بررسی می‌کنند و می‌توانند مانع از تضاد منافع بین مدیر و مالکان شوند، بنابراین ارزش شرکت را افزایش می‌دهند. این یافته‌ها با شواهد زیانو و همکاران (۲۰۲۰)، بنرجی و جنر (۲۰۱۶)، موتینهو و همکاران (۲۰۱۲) و حاجیها و قانع (۱۳۹۵) مطابقت دارد و با نتایج صالحی و همکاران (۱۳۹۲) در تضاد است. این نتیجه‌گیری پیامدهای مفیدی برای بهبود کارایی بازار حسابرسی دارد و نشان می‌دهد که تنظیم‌کننده‌ها باید به حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های حسابرسی توجه کنند و آن‌ها را ترغیب به سرمایه‌گذاری منابع حسابرسی کافی برای بهبود کیفیت حسابرسی و اطمینان از تحقق اهداف حسابرسی به منظور ارتقاء توسعه اقتصاد از طریق حسابرسی‌های با کیفیت بالا کنند. علاوه بر این، از آنجاکه چرخش حسابرس بر معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت تأثیری نداشته ولی بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و سود اقتصادی شرکت، تأثیر مثبت و بر ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده بازار شرکت، تأثیر منفی داشته است؛ می‌توان به جنبه مثبت چرخش حسابرس از دیدگاه شرکت به‌عنوان متغیر تعدیلگر و جنبه منفی آن از دیدگاه بازار سرمایه اشاره کرد. لذا، در ایران باید با احتیاط بیشتری در مورد لزوم چرخش اجباری حسابرسان استدلال نمود. این یافته‌ها با شواهد سجادی و همکاران (۱۳۹۶)، پورحیدری و بدری خیره مسجدی (۱۳۹۲) و حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹) مطابقت دارد. الزام سازمان بورس به تغییر حسابرس توسط شرکت‌ها، مسلماً نشانگر نگرانی دست‌اندرکاران و مسئولان بورس اوراق بهادار در رابطه با موضوع استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی بوده است. امید است با توجه به نتایج این پژوهش که مشخصاً مربوط به بازار ایران است و با توجه به نتایج پژوهش‌ها و تجارب سایر کشورها، تلاشی در جهت بهبود هرچه بیشتر در این قانون صورت گیرد.

به منظور انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی اثر چرخش اجباری حسابرسان بر ارتباط بین سایر معیارهای کیفیت حسابرسی (نظیر اندازه مؤسسه حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت) با ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها؛
- بررسی تأثیر معیارهای حاکمیت شرکتی (ویژگی‌های هیئت‌مدیره نظیر اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل؛ تمرکز مالکیت؛ ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ...) بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها؛
- بررسی تأثیر توانایی مدیران بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها؛
- بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها؛
- مقایسه سال‌های آخر چرخش حسابرس با سال‌های اول بر ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده اقتصادی و فرصت‌های رشد شرکت‌ها؛
- انجام پژوهش حاضر با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری ارزش شرکت‌ها (بازده سهام، بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و ...) و مقایسه نتایج.

۸- منابع و مأخذ

ابادری، زهره، و فرزانه نصیرزاده. (۱۳۹۷). چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی و محدودیت در ارائه سایر خدمات حسابرسی: هزینه‌ها و منافع. **پژوهش‌های حسابداری مالی و**

حسابرسی ۱۰(۳۹): ۱۰۷-۱۳۷.

احمدپور، احمد؛ محمد کاشانی پور و محمدرضا شجاعی. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تأمین مالی از طریق بدهی (استقراض). **بررسی‌های**

حسابداری و حسابرسی ۶۲: ۱۷-۳۲.

احمدزاده، طه. (۱۳۹۵). چرخش اجباری حسابرس. **پژوهش حسابداری** ۶(۲۱): ۴۰-۱۷.

افلاطونی، عباس، و لیلی نیکبخت. (۱۳۸۹). کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری،

مدیریت مالی و علوم اقتصادی. تهران: انتشارات ترمه، چاپ اول.

بزرگ اصل، موسی، و حمیدرضا شایسته‌مند. (۱۳۹۰). رابطه بین مدت تصدی حسابرس و

مدیریت سود. فصلنامه بورس اوراق بهادار (۳۱): ۲۳۳-۲۱۳.

بولو، قاسم؛ کیهان مهام و اسماعیل گودرزی، (۱۳۸۹). تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **دانش حسابداری** ۱۱(۱): ۱۱۱-۱۳۵.

پورحیدری، امید، و احد بدری خیره مسجدی. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین چرخش مؤسسات و شریک حسابرس با کیفیت حسابرسی و تعدیلات سنواتی. **پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز** ۵(۲): ۲۳-۱.

حاجیه‌ها، زهره، و علی قانع. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر فرصت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **دانش حسابرسی** ۱۶(۶۳): ۱۲۷-۱۰۳.

حساس یگانه، یحیی، و ولی‌اله جعفری. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه بورس اوراق بهادار** ۹(۹): ۲۵-۴۲.

حساس یگانه، یحیی؛ فرخ برزیده؛ محمدتقی تقوی فرد و محمد فرهمند سیدآبادی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر گردش اجباری مؤسسه‌های حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی و رقابت در بازار حسابرسی. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۲۳(۳): ۳۵۲-۳۳۳.

حیدری، مهدی؛ حمزه دیدار و بهمن قادری. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر معیارهای ارزیابی عملکرد: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری. **فصلنامه حسابداری مالی** ۷(۲۷): ۷۷-۱۰۱.

سجادی، سید حسین، و میثم جعفری پور. (۱۳۸۹). چرخش اجباری حسابرسان و اثرات آن. **حسابدار رسمی** ۱۰(۱۰): ۶۴-۶۹.

سجادی، سید حسین؛ حسن فرازمنند و صادق قربانی. (۱۳۹۱). تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی. **پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز** ۴(۱): ۱۰۹-۸۱.

سجادی، سید حسین؛ مریم کاویانی؛ محسن رشیدی باغی و جلال صبرجو. (۱۳۹۶). تأثیر چرخش حسابرس در سطح شریک و مؤسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی. **دانش حسابرسی** ۱۷(۶۹): ۵۹-۸۰.

سوری، علی. (۱۳۹۳). **اقتصادسنجی مقدماتی**. تهران: نشر فرهنگ‌شناسی.

صالحی، مهدی؛ محمود موسوی شیرینی و حجت سدید نوغانی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

فصلنامه حسابداری مالی ۵ (۲۰): ۲۱-۱.

عزیزخانی، مسعود؛ رضا داغانی و مژگان احمدیان. (۱۳۹۵). تأثیر سیاست چرخش اجباری حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. **دانش حسابرسی ۱۶ (۶۴): ۶۲-۴۳.**

قاسمی نژاد، احسان، و منصور گرکز. (۱۳۹۳). تغییر مدیریت و اظهار نظر حسابرس: آزمون فرضیه همسویی مدیریت و حسابرس. **فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت ۳ (۱۲): ۴۵-۵۲.**

مرادی، مهدی؛ امین رستمی و زهره اباذری. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر اعمال رفتارهای ناکارآمد حسابرسان. **فصلنامه حسابداری مالی ۸ (۳۰): ۶۴-۴۰.**

منصوری سرنجیانه، میکائیل، و محسن تنانی. (۱۳۹۲). بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی. **پژوهش‌های حسابداری مالی ۵ (۴): ۱۲۰-۱۰۵.**

مهرانی، ساسان؛ محمد مرادی؛ منصور نخعی و محسن مطمئن. (۱۳۹۲). نقش ویژگی‌های حسابرس در کیفیت سود. **پژوهش‌های حسابداری مالی ۵ (۲): ۱۰۸-۹۳.**

نوروش، ایرج، و مسعود رضانی. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر استقلال حسابرس از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان خدمات حسابرسی. **فصلنامه حسابداری مالی ۲ (۷): ۲۲-۱.**

نوری فرد، یداله، و فاطمه زهرا شربتی. (۱۳۹۴). تأثیر دوره تصدی حسابرس بر کیفیت افشای اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار ۶ (۱۲): ۴۹-۵۸.**

نیکبخت، زهرا؛ سید احمد خلیفه سلطانی؛ سید علی حسینی؛ آزاده مداحی و ابوعلی ودادهیر. (۱۳۹۷). تدوین مدل استقلال حسابرس. **فصلنامه حسابداری مالی ۱۰ (۳۸): ۱۱۲-۹۰.**

نیکبخت، محمدرضا؛ مهدی شعبان‌زاده و امین کنارکار. (۱۳۹۵). رابطه بین حق الزحمه حسابرس و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی. **مطالعات مدیریت و حسابداری ۲ (۱): ۱۹۰-۲۰۸.**

- هاشمی، سید عباس، و سید محمد مشعشعی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۷(۲۷): ۱۹۹-۲۲۵.
- Alali, F. (2011). Audit fees and discretionary accruals: Compensation structure effect. **Managerial Auditing Journal** 26 (2): 90-130.
- Arel, B., R.G. Brody, and K. Pany. (2005). Audit firm rotation and audit quality. **The CPA Journal** 75(1): 36- 39.
- Bacidore, J.M., J.A., Boquist, T.T. Milbourn, and A.V. Thakor. (1997). The Search for the Best Financial Performance Measure. **Financial Analysts Journal** 53 (3): 11-20.
- Banerjee, S., and M. Humphery-Jenner. (2016). Directors' duties of care and the value of auditing. **Finance Research Letters** doi: 10.1016/j.frl.2016.05.004
- Baum, Ch.L., L. Sarver, and T. Strickl. (2004). EVA, MVA and CEO Compensation: Further Evidence. **American Business Review** 22 (2): 82-89.
- Be yer, A. and S. Shiridhar, (2006). Effects of Multiple Clients on Audit Reports. **Journal of Accounting Research** 29-51.
- Booker, K. (2018). Can clients of economically dependent auditors benefit from voluntary audit firm rotation? An experiment with lenders. **Research in Accounting Regulation** 30 (1): 63-67.
- Cameran, M., A. Prencipe, and M. Trombetta. (2008). **Auditor Tenure and Auditor Change: Does Mandatory Auditor Rotation Really Improve Audit Quality?**. Annual Meeting and Conference on Teaching and Learning in Accounting, New York, August, PP. 1-5.
- Carcello, J.V., and L.V. Reid, Lauren. (2014). **Investor Reaction to the Prospect of Mandatory Audit Firm Rotation**. Online, at: <http://ssrn.com/abstract=2384152>.
- Chan, S., F.A. Gul, and J. Zhou. (2008). **Earnings information, financial intermediaries and stock price synchronicity**. The Hong Kong Polytechnic University working paper.
- Corbella, S., C. Floria, G. Gotti, and S.A. Mastrolia. (2015). Audit Firm Rotation, Audit Fees and Audit Quality: The Experience of Italian Public Companies. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation** 25: 46-66.
- Dechow, P., R. Sloan, and A. Sweeney. (1996). Causes and consequences of earnings manipulation: Analysis of firms subject

- to enforcement actions by the SEC. **Contemporary Accounting Research** 13: 1-36.
- Foster, G. (1986). **Financial Statement Analysis**. New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Frankel, R., M. Johnson, and K. Nelson. (2002). The Relation between Auditor's Fees for Non-Audit Services and Earnings Management. **The Accounting Review** 77: 71-105.
- Hackenbrack, K., and C. Hogan. (2002). Market response to earnings surprises conditional on reasons for an auditor change. **Contemporary Accounting Research** 19: 195-223.
- Kim, J.-B., A.-K., Min, and C.H. Yi. (2004). **Selective auditor rotation and earnings management: Evidence from Korea**. Working paper. Hong Kong Polytechnic University.
- Krishnan, G., and J. Zhang. (2019). Do investors perceive a change in audit quality following the rotation of the engagement partner? **Journal of Account and Public Policy**, 38(2): 65-170.
- Laurion, H., A. Lawrence, and J. Ryans. (2017). U.S. audit partner rotations. **Accounting Review** 92 (3): 209-237.
- Lennox, C., and X. Wu. (2018). A Review of the Archival Literature on Audit Partners. **Accounting Horizons** 32(2): 1-35.
- Lumb, J. (2011). Coverage of auditing standards and Board actions. **Wolters KluwerLaw & Business (PCAOB Reporter)** 9(16): 7-11.
- Moutinho, V., A. Cerqueira, and E. Brandao. (2012). **Audit Fees and Firm Performance**. Available at Ssrn: [Http://Ssrn.Com/Abstract=2180020](http://Ssrn.Com/Abstract=2180020)
- Myers, J., L. Myers, and T. Omer. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: a case for mandatory auditor rotation?. **The Accounting Review** 78: 779-99.
- Singh, A., H. Singh, N. Sultana, and J. Evans. (2019). Independent and Joint Effects of Audit Partner Tenure and Non-Audit Fees on Audit Quality. **Journal of Contemporary Accounting & Economics** 15(2): 186-205.
- Stewart, G.B. (1991). **The Quest for Value: A Guide for Senior Manager**. New York, Harper Business.
- Tsui, J.S.L., B. Jaggi, and F.A. Gul, (2001). CEO domination, growth opportunities, and their impact on audit fees. **Journal of Accounting, Auditing and Finance** 189-208.

- Walker, M. (2003). **Principal/agency theory when some agents are trustworthy**'. Accounting and Finance Working Paper, Manchester: Manchester Business School, Manchester University.
- Xiao, T., C. Geng, and C. Yuan. (2020). How audit effort affects audit quality: An audit process and audit output perspective. **China Journal of Accounting Research**, 13. Article in press.